

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در



شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و

روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود.

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در

شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامهٔ منثور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپهداران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و

روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم



کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منشور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپه‌داران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود.

مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منشور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپه‌داران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منشور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپه‌داران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود. فردوسی در شاهنامه از پنج راوی شفاهی نیز به نام‌های آزادسرو، شادان برزین، ماخ پیر خراسانی، بهرام و شاهوی یاد کرده که او را در بازگوکردن داستانها یاری رسانده‌اند اما ذبیح‌الله صفا استدلال کرده‌است که به احتمال فراوان راویان یادشده مربوط به روزگاران پیشین بودند و فردوسی به جهت احترام از آنان سخن به زبان آورده و هیچکدام معاصر با حکیم طوس نبوده‌اند. مأخذ اصلی فردوسی در به‌نظم کشیدن داستان‌ها، شاهنامه منشور ابومنصوری بود که چندی پیش از آن توسط یکی از سپه‌داران ایران‌دوست خراسان از روی آثار و روایات موجود گردآوری شده بود.